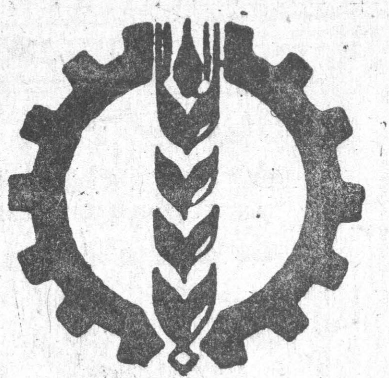


حقیقت انقلاب ثور

ارگان کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان

شماره نوروزی
دوشنبه اول حمل
سال ۱۳۶۲
March 20, 1983
شماره ۱۶۷ سال سوم
شماره مسلسل ۴۷۹
سال تأسیس ۱۳۵۹

سال نو، سال آرامش و برادری

متن پیام تبریکیه رفیق ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و رئیس شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان به مناسبت آغاز سال ۱۳۶۲.

هموطنان عزیز:

اجازه دهید که سال نو، جشن باستانی نوروز و جشن دهقان را از صمیم قلب به شما کارگران، دهقانان، اهل کسبه، روشنفکران، مردان و زنان زحمتکشی که در راه ساختمان جامعه ای پیشرفته و تامین زندگی نوین وسعادتمند برای تمام مردم ما وشگوفانی وطن محبوب مان افغانستان قهرمان وانقلابی مشغول کار و پیکار هستید، بشما منسوبین قوای مسلح قهرمان کشور ما، بشما علما وروحانیون شریف و تمام متحدین و طنپرست که باکلام معتبر خود مردم را به کار و دفاع از انقلاب تشویق میکنید از صمیم قلب تبریک بگویم.

امسال تجلیل از روزعنعنوی دهقان واغاز سال نو نه تنها بمثابه ادامهٔ سنت پسندیدهٔ مردم آزاده قدردانی از کار وعرق ریزی دهقانان زحمتکش کشور ما بر گزار میشود، بلکه بعد از تدویر پلینوم یازدهم کمیتهٔ مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان باید فرصتی باشد که دهقانان وتمام زحمتکشان کشور ما باتدابیر حزب ودولت انقلابی خود بااتحاد وبرادری درجهت بهبود شرایط زندگی وکار خود بهتر و ثمر بخش تر آشنا شوند ودر جهت باروری تمام زمین ها و بلند بردن سطح حاصل دهی در سالی که آغاز میشود بسعی و تلاش تجدید پیمان نمایند.

تحول اوضاع در طول سال گذشته با وضاحت میرساند که سال نو برای تمام خلق کشور ما سال پیروزی های نو مصمم اند که سال ۱۳۶۲ رابه سال واقعا پر بر کت وسال فراوانی مبدل سازند، دولت وسایل وامکانات و سیعی را جهت کمك به دهقانان زحمت کش کشور تدارك دیده و ماشین آلات زراعتی، کود کیمیاوی، ادویه زراعتی و تسهیلات مالی ومادی لازم را برای استفادهٔ دهقانان شریف کشور ما تهیه دیده است.

آغاز سال ۱۳۶۲ در فاصله نزدیك زمانی باششمین بهار انقلاب در کشور ما قرار دارد این بهار نو مژده دهنده فصل تازه ی درحیات جامعه ی افغانی واینده سعادت بارمردم ماست.

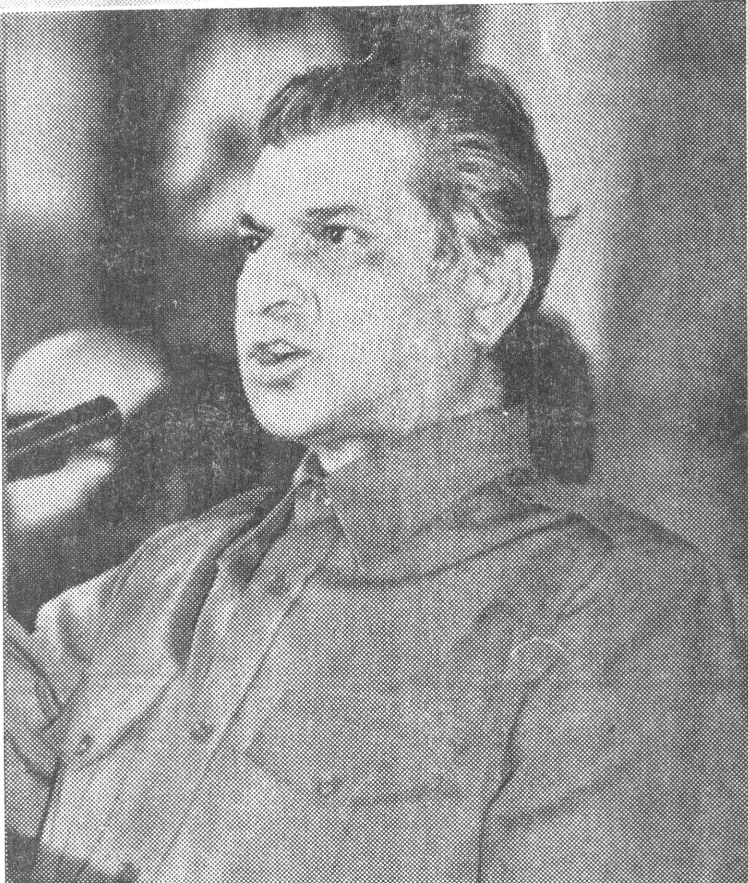
در حالیکه فضای روان بخش بهاری در کشور ما مستولی میگردد، متاسفانه ابرهای تیره تشنج هنوز دورنمای صلح وارامش بشری را تاریك نگهداشته است. تلاشهای آتش افروزان و جنگ طلبان امپریالیستی در جهت تدارك فاجعه بنیادبراند از تصادم هسته یی با حلول بهار جدید نه تنها رو به کاهش نه نهاده بلکه درحال یك اوج گیری تازه است.

امپریالیزم جهانخوار در راس امپریالیزم ایالات متحده امریکا و متحدان آنها، از هیچ عملی برای آتش زدن به خرمن هستی بشریت دریغ نمیکنند وساحه تجاوزات خود را وسیعتر میسازند.

در سالی که در پیش داریم، ایالات متحده امریکا تلاش خواهد کرد تا کار نصب راکت های جدید پرشنگ در اروپا را تکمیل کند و نیروهای تجاوز سریع خود را با قوماندانی جدید مرکزی که بخش وسیعی از قاره ما رافرا میگیرد تقویت و تکمیل نماید، وزش نسیم روح بخش بهاری هرگز قلب های این سنگدلان را به عاطفه نخواهد آورد، بنا بر آن با این اوج تازهٔ امادگی نیروهای اهریمنی جنگ، باید مبارزات جنبش جهانی صلح نیز در سال نواوج نوی بخود بگیرد، مبارزات صلح، پیکار همه نیروهای مترقی و دموکراتیك در پیوند با جامعه سوسیالستی و در راس اتحاد شوروی بمثابه ضمانت محکم برای ادامه هستی بشری در سال نو نیز مانند سالهای گذشته جلو افسار گسیختگی و آتش افروزی آن نیروهای مدنیت سوز را خواهد گرفت خلق های جهان در سالی که در پیش است امید وار آرامش خود هستند، طالب آن اند تا افق کره زمین تابش تازه ای از صلح، امنیت و آرامش همگانی برابری باشد. صلح یك پدیده تقسیم ناپذیر است و نمیتوان، جزیره ای از رفاه، را در گوشه ای از سیاره مامنزوی از مصایب والام سایر مناطق ایجاد کرد، باید در سال نو نیز در جهت ایجاد شرایطعینی برای دیتانت و صلح همگانی تلاش ورزید وباشعار صلح برای همه بشریت به استقبال سال نو رفت.

تحقق خلع سلاح عام و تام توقف تولید جنگ افزار های هسته یی کاهش متقابل وسایل انتقال سلاح های ذروی از طریق مذاکرات ایجاد مناطق فاقد سلاحهای ذروی انحلال پایگاه های تجاوز نظامی و بالاخره از میان بردن تدریجی زرادخانه های تباهی دسته جمعی خلع سلاح عام و تام همه و همه شرایط عینی صلح واقعی و قابل اتکاء میباشند که امید وارم با تلاش های پیگیر اردوگاه صلح قسمتی

(ص۲)



رفیق ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا و رئیس شورای انقلابی ج.د.ا.

وقاطع خواهد بود، در طول سالی که گذشت ضربات مرگباری بر پیکر ضد انقلاب وارد گردید، نقطهٔ قابل توجه درین است که این ضربات تنها ازطریق قوای مسلح دلیرو نیرو های مسلح مردم وارد نگردید، بلکه در عرصهٔ سیاسی ما شاهد جلب هر چه بیشتر زحمتکشان وبخصوص دهقانان به اهداف انقلاب و در کنار حزب ودولت بودیم، دهقانان وسایرزحمت کشان کشور ما هر چه بیشتر به حقانیت انقلاب پی میبرند از نیات شوم و ضد ملی دشمنان انقلاب هر چه بیشتر آگاهی می یابند و به دولت جمهوری دموکراتیك افغانستان می پیوندند.

حزب دموکراتیك خلق افغانستان ودولت جمهوری دموکراتیك افغانستان از این گرایش همگانی استقبال گرم میکنند ودرسال آینده نیزتمام سعی وکوشش خودرادر جهت جلب وسیعتر توده های مردم بسوی انقلاب بکار خواهند انداخت.

در طول سال گذشته علی الرغم تلاشهای خاینانهٔ ضد انقلاب، سطح حاصلات زراعتی در کشوربالا رفت، در کار خانه ها، کشتزارها وموسسات وادارات کار و عرق ریزی زحمت کشان کشور ما ثمرات خوبی ببار آورد. پیشرفت هاییکه همین اکنون در زمینه کشت بهاری به مشاهده میرسد نشان میدهد که در سال آینده حاصلات زراعتی بیشتر خواهد بود ودهقانان ما

جلسه نوبتی شورای انقلابی ج.د.ا

تحت ریاست رفیق ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و رئیس شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان دوره دوم اجلاسیه سال ۱۳۶۱ شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان ساعت چار بعد از ظهر دیروز در مقر شورای انقلابی دایر شد.

جلسه با پخش سرود ملی جمهوری دموکراتیک افغانستان آغاز گردید و بعدا رفیق ببرک کارمل اجندای جلسه را مبنی بر گزارش درباره فعالیت و اجراآت هیات رئیسه شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان از اول میزان الی ۲۹ حوت سال ۱۳۶۱ و گزارش شورای وزیران پیرامون پلان انکشاف اقتصادی و اجتماعی و بودجه سال ۱۳۶۲ جمهوری دموکراتیک افغانستان و اعلامیه شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان به تائید از پیام شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالستی کمیته مرکزی حزب کمونست اتحاد شوروی عنوانی پارلمان ها، حکومات احزاب سیاسی و مردمان جهان پیشنهاد نمودند.

بعدا آن ها اجندای پیشنهادی جلسه به اتفاق اراء تائید شد محمد انور فرزام منشی هیات رئیسه شورای انقلابی گزارش فعالیت و اجراآت هیات رئیسه شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان را طی مدت بین دو دوره اجلاس شورای انقلابی یعنی از اول میزان الی ۲۹ حوت ۱۳۶۱ ارایه نمود.

سپس خلیل احمد ابوی معاون رئیس شورای وزیران و رئیس کمیته دولتی پلان گذاری گزارش شورای وزیران جمهوری دموکراتیک افغانستان را درباره پلان انکشاف اقتصادی و اجتماعی جمهوری دموکراتیک افغانستان در سال ۱۳۶۲ ارایه کرد.

متعاقبا رفیق عبد الوکیل وزیر مالیه گزارش شورای وزیران جمهوری دموکراتیک افغانستان پیرامون بودجه سال ۱۳۶۲ جمهوری دموکراتیک افغانستان را ارایه نمود.

سپس طرح اعلامیه شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان به تایید از پیام شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی کمیته مرکزی حزب کمونست اتحاد شوروی عنوانی پارلمانها حکومات احزاب سیاسی و مردمان جهان به اتفاق اراء مورد تایید و تصویب اعضای شورای انقلابی قرار گرفت.

و بعدا طرح فرامین هیات رئیسه شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان درموضوعات شامل اجندا توسط محمد انور فرزام منشی هیات رئیسه شورای انقلابی قرائت شد که به اتفاق اراء مورد تصویب اعضای شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان قرار گرفت.

در ختم جلسه رفیق ببرک کارمل مختصراً درموردپلینوم یازدهم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان روشنی انداخته گفتند رفقا، اکنون وقت آن رسیده است که ما واقعاً با تمام روح وطنپرستی و انقلابی به تطبیق مصوبات پلینوم های حزبی و تصاویب شورای انقلابی، آرمانهای والای انقلاب ثور، اهداف حزب دموکراتیک خلق افغانستان و پالیسی جمهوری دموکراتیک افغانستان بیش از همه وقت در عمل بپردازیم.

دوره دوم اجلاسیه شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان باپخش سرود ملی جمهوری دموکراتیک افغانستان پایان یافت.

همبستگی

اعضای دسته جمعی سازمان صلح همبستگی و دوستی جمهوری دموکراتیک افغانستان در پوهنتون کابل، مطابع دولتی، شرکت افسوتر و پروژه ساختمان قرغه دیروز طی محافل شکوهمندی از بیست و یك مارچ روز بین المللی همبستگی با مبارزه مردمانیکه علیه تبعیض و نژاد پرستی می رزمند تجلیل و بزرگداشت بعمل آوردند.

در این محافل بعد ازآنکه نمایندگان سازمان صلح همبستگی و دوستی جمهوری دموکراتیک افغانستان بیانیه های را قرائت نمودند در قطعنامه های صادر شده شرکت کنندگان محافل انزجار عمیق شانرا در برابر رژیم نژاد پرست افریقای جنوبی و حامیان امپریالیستی آن ابراز و تبانی روز افزون ایالات متحده امریکا و رژیم افریقای جنوبی را بشدت محکوم نمودند.

(ب)

تاریخچه «نوروز»

باستانی ترین میله های نوروز بنام جشن نوروز یا نیرو در عهد جمشید و بعدا در عهد گشتاسب در بخدی یابلخ بر پامی شده است.

پس از اسلام نیز همواره جشن نوروز بر پا می شده و مراسم آن به تصرفات و تغییراتی از عهدی به عهد دیگر منتقل میگردیده است.

در عهد غزنویان جشن نوروز در معنای وسیع وکامل آن احیا گردید. گویند بابر شاه نوروز را در کابل برگزار میکرد.

و تیمور شاه ابدالی این روز را بر کوه تخت شاه کابل بزرگ داشت و از آن به بعد نوروز را در زیر بالا حصار، زیر کوه شیر دروازه، باغ بابر شاه، دارالامان، دامنه خواجه صفا، سخی شیاه سنگ و کوتل خیر خانه بر پا می داشتند.

برای اولین بار در دوره امانی مراسم نوروز بطورجدی برگزار شد ورسمیت یافت.

سور پسرلی ...!

ته دشیبو په امتدادکی ویده
اوشنه خوبونه وینی
خوشپه لاگوره شوگیرونه نیسی
اوپه خپلوتوروا وژو
دگل اومینی جنازی تیروی.

* * *

خودلته، ستا ترڅنگه
دسره سهار پلوشی
په خپلونرموا وزرینوشونډو
دشنوگلبوته سرودونه وایی
اوسری غوټی مچوی

* * *

سپینی کوتری په پستوبڼکو
دلمر په لوری الوتنی کوی
اودشنه آسمان په مرجانی لمن کی
دابدی هیلو دانی شیندی

* * *

سترگی دی وغړوه
دشنوگلدخوبونوله خیمی راوزه
اودسره گلدغوړیدو په نامنه
خپله سندره دباغونوغوږ ته ورسوه.

خوچی باران ویښ شی
خوچی شبنم واوری
اوبلبلان مست شی
دپسرلی دسره سهارپلوشی
توروکونجونوته رڼا ورکړی
شپه دآسمان له بامه ولویږی
اودباران سندره
دوچکالیودسکوت برجونه ونړوی

* * *

سترگی دی وغړوه
اوپسرلی وگوره
چی له اغزنوکرښو وا وښته
راغی زموږ دسوو دښتو په لور
دعشق اوگلوله څولیو سره

* * *

نوته دمینی اودگل سندره
دپسرلی لپاره
اودسره گلدغوړیدو په نامه وغږوه.
چی دباغونوگلان
اوددښتونوبوټی
له شنوخوبونونه راپاڅیږی
سورپسرلی ووینی.

کـ ... نـ ... ان

۱۳۶۱/۱۲/۲۵

نوروز باستانی، جشن صلح وکار را گرامی داریم!

بهار و نوروز از دید دهقان و کارگر

سالیکه سپری شد علاوه بر اینکه خاطراتی از خود بجا می گذارد بدون تردید این سوال را نیز مطرح می سازد که چه کارهای انجام شد و به همین گونه سال جدید را چگونه باید آغاز کرد و چه وظایفی در برابر ما قرار دارد ؟

توجه به آنچه انجام شده‌است و استفاده از تجارب عملکردهای‌ما در اجرای‌وظایف جدید نیز سوال دیگری است که باید از همین آغاز سال جدید با انجام درست و بکار بستن شیوه‌های معقول وظایف خود به‌آن پاسخ بگویم .

به مناسبت آغاز سال‌جدیدو با در نظر داشت سوالات مطروحه بالا خبرنگاران ح.ا.ث بایك کارگر و یك دهقان مصاحبه های بعمل‌آورده اند که فشرده یی از آنرا در همین صفحه به نشرمی رسانیم .

اقبال محمد دهقان عضو کوپراتیف دهقانی چهلستون

سال نو ، سال حاصلات بهتر

سالیکه گذشت از نظر من سال خوب . سال نزدیکی و بهم فشردگی هر چه بیشتر هموطنان ما بود .

تجارب زیاد اند و حتیم، از آن در کارو زندگی‌خود استفاده خواهیم کرد .

کمك های دولت انقلابی ما به زارعین و مالداران در ساحه زراعت و مالداری هر چه بیشتر شد برای ما امکان داد که از آن در بلند رفتن حاصلات و افزایش تولید استفاده کنیم .

ریزش برف و باران به موقع نیز امکانات زیاد تری را در اختیار ما گذاشت تا به خاطر بلند رفتن حاصلات و کشت‌فصلی توجه جدی‌نماییم.

به عقیده من دهاقین وطن ما بیش از هر کس‌دیگر وظیفه بسیار سنگین و مهمی بدوش دارند که با اجرای درست و معقول آن به خاطر تهیه احتیاجات اولیه مردم‌خود به انجام رسانند و در شرایط موجود که کمك و حمایت دولت در بخش های مختلفه کار با ما همراه است خوب تر می توانیم کار نماییم من (۸) جریب زمین دارم با اطمینان و با کمك دولت و مساعدت مستقیم کوپراتیف به هموطنان وعده می دهم که تمام انرژی وتوان خود را در راه تولید بیشتر محصولات زراعتی بکار برم و یقین دارم که در این تعهد تنها نیستم و تمام دهاقین وطنپرست با من یکجا خواهند بود .

مطلب قابل توجه دیگر این است که دیروز من با یك مامور زراعت صحبت داشتم او به من گفت‌که امسال‌اضافه تر از ۲ ملیون و سه صد هزار جریب زمین در کمپاین کشت بهاری شامل است و در آن انواع غله جات و حبوبات زرع خواهد گردید من بحیث یك دهقان آگاهی دارم که منابع طبیعی بسیار داریم دشت های خوب وآب و هوای گوارا . چرا از امکانات استفاده نکنیم . هرگاه دشمنان مردم افغانستان بگذارد که پلان های دولت‌در عمل تطبیق شود و سنگ اندازی صورت نگیرد من ایمان دارم که علاوه بررفع احتیاجات هموطنان تولیدات زراعتی به کشور های خارج نیز صادر خواهیم کرد . ولی با وجود همه کوشش و تلاش دشمنان‌مردم و انقلاب یقین دارم که پلان های دولت ما در عمل تطبیق میگردد .

(ح.ا.ث)

محمد انور ازمون کارگر شعبه کلاسیك افغان ترکانی:

سال‌نو سال‌تحولات‌جدیددر زندگی کارگران

سال ۱۳۶۲ را می توان آغاز جدید و تحول مثبت در زندگانی کارگران و همه زحمت کشان بشمار آورد. واقعاًدراین‌سال جنبش‌وجوش وعشق و علاقه بی پایان‌انجام کار در تمام موسسات‌تولیدی وکار خانه ها وپروژه های ساختمانی بیشتر از هر زمان دیگر به نظر میرسید . کار های داوطلبانه ، انجام مسابقات کار صرفه جویی در مصرف مواد و رقابت سالم بین خود کارگران در ساحه کار شان و استقبال از انجام چنین کار ها واقعاً آغاز یك دوره جدید از حیات ما کارگران افغانستان است.

علاوه بر انجام این کارها خاطره بازدید و ملاقات محترم رفیق‌ببرك‌کارمل منشی‌عمومی کمیته مرکزی ح.د.خ.اورئیس شواری انقلابی با کارگران‌و کارمندان فابریکه جنگلك و تصدی افغان ترکانی برگرمی خاطرات مادرسال گذشته افزوده است . هنوز هم و شاید هم سال ها این خاطره را کارگران با همدیگر زمزمه نمایند . ودر باره گفته های رفیق‌کارمل باهم صحبت وگفتگو نمایند .

در باره کمك ها و میسر شدن امکانات خوب از طرف حزب و دولت هم مسلکان من زیاد صحبت کرده اند.ولی من یك قسمت از سخن های محترم رئیس شورای‌انقلابی را تکرار میکنم که هنگام صحبت باکارگران گفتند .

کوشش کنید که از بین خود شما کارگران شخصیت ها تبارز کند . آینده از شما ست و چشم امید همه بسوی شما کارگران است‌من فکر میکنم که ما مسؤولیت بسیار زیاد در مقابل‌هموطنان خود داریم . و مسؤولیت ما صرف در پشت ماشین‌وکار خانه حل نمیشود ما امیدواریم همان گونه که گفته‌شد قانون کارکه‌به‌اشتراك خودنمایندگان زیر کار است مسوولیت های تاریخی ما را بیشتر از پیش روشن کند .

تا آنجا که برمن مربوط است بحیث یك کارگر تعهد می سپارم که به خاطر تطبیق اهداف عالی و انسانی حزب و دولت بدان احساس خستگی کار نمایم .

(ح.ا.ث)

(بقیه صفحه اول)

سال نو ، سال آرامش...

از این آرزوی بزرگ بشریت در سال نو تحقق یابد و تکیه گاه آرامش بخش تازه‌ای‌برای بشریتی که متوحش از فاجعه یك در گیری جدید جنگ‌جهان سوز میباشد، ایجاد شود .

جمهوری دموکراتیك افغانستان در سال جدید نیز در همه مجامع بین المللی و با همه امکاناتی که دارد ، درراه تامین این آرمان بزرگ از هیچ کوششی دریغ نخواهد کرد و بمثابه بخش جدا ناپذیری از بشریت مترقی و صلح دوست نسبت باین نیاز مبرم همه ساکنان سیاره ما علاقمند خواهد بود .

جمهوری دموکراتیك افغانستان بر خلاف اتهامات بلند گویان امپریالستی نه‌تنها خود عامل‌تشدیدتشنج‌درمنطقه و جهان نبوده ، بلکه عامل مهمی برای تحکیم صلح جهانی و آرامش منطقه یی است ، ما به ارائه پیشنهاد های مشخص و سازنده خود وظایف خود را برای حل مسایل و قضایای اطراف افغانستان انجام داده‌ایم و تلاشهای ما برای حل این مسایل ازراه مذاکره در سال جدید نیز ادامه خواهد یافت .

هموطنان عزیز :

اجازه دهید سال نو را به امید صلح سرا سری و طنی، آشتی ، برادری و برابری و صلح واقعی جهانی ، پیروزی در کار و پیکار انقلابی تمام هموطنان خود برای ایجاد یك جامعه نوین ، شگوفان ، مستقل‌و وارسته آزاد و سر بلند و پیروزی اردو گاه ترقی وصلح برای آرامش و رفاه بشری‌آغاز کنیم ، بهار نو را به اندیشه نو، انرژی تازه وابعاد وسیعتر کار و مبارزه در جهت تحقق اهداف انسانی انقلاب خود در یکپارچگی و وحدت همه اقشار و طبقات ملی و دموکراتیك استقبال میکنیم .

در فرجام سال نو و بهار نو را به تمام مردمان جهان به تمام خلق‌های مسلمان‌به‌برادران پشتون وبلوچ نیز شادباش می گویم و برای شان صلح، آزادی و ترقی را آرزو مینمایم .

زحمتکشان کشورانقلابی ما ، سال نو را ، پنجمین‌بهار انقلاب را به امید پیروزی های هرچه بیشتر و تامین صلح‌و آرامش در کشور و سعادت و بهروزی آینده فرد فرد هموطن جامعهٔ ما استقبال می کنند .

((عکاسی ح.ا.ث))

تدویر نخستین پلینوم سازمان پیشاهنگان

نخستین‌پلینوم شورای شهر کابل سازمان پیشاهنگان افغانستان قبل از ظهر دیروز درحالیکه ظهوررز مجو عضو علی البدل بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان حاضر بود در تالار لیسه امانی دایر گردید

در آغاز کار این پلینوم مسوول شورای شهر کابل سازمان پیشاهنگان در مورد کار و فعالیت شورای شهر کابل سازمان متذکره گزارش اساسی‌راقرائت‌نمود.

متعاقبا رفیق ظهور رزمجو طی بیانیه گفت بعدازپیروزی انقلاب شکوهمند ثور و به خصوص مرحله نوین و تکاملی آن حزب ودولت‌توجه جدی پرورش و تربیه سالم کودکان این سازمان و وارثان فردای شگوفان کشور مبذول شده و مساعی زیادی به‌خرچ میدهد که کودکان ما با اطمینان به اینده تا بناك به روحیه عشق به وطن مردم وانقلاب تعلیم‌وتربیت گردند.

جشنی در رزمگاه

باز نو روز باستانی فرا رسید ، سالی با تجربه هاو درس ها یش به ((گذشته)) و ((تاریخ)) پیوست و سالی با آرمانها و آرزو‌های نوین فرا رسید . بروی آساطیر تاریخی ما ، بیش ازشش هزار سال است که باشندگان سر زمین زیبای ما ، نوروز ، آغاز فصل بهار و سال نوین را جشن می‌گیرند.

سالروزی ، بدین‌حد گرامی و پر شور ، ماندنی و ماندگار ، غنا و معنا یی در همین حد ، بزرگ و جلیل دارد. جشن نوروزی ، آن سنت پر بار نیاکان ماست که‌در درازنای سده ها برای همه نسل های میهن ما الهام عطف توجه به گذشته و اندیشه به آینده بخشیده و می بخشد . درین میان ، تمرکز عقل و خرد به سالیکه گذشت و به سالیکه آمد ، جایگاه منیعی دارد . شاخص ترین خصوصیت جشن های نوروزی در میهن ما خوشبینی به آینده ، تجدید پیمان کار و کشت بهتر و زیست بهتر باخویشتن‌و جامعه و با سر زمین است که به ویژه پس از نوروز ، همانند نو عروسی آراسته از رنگ و عطر و گل و برگ و میوه خود را به باشندگا نش عرضه میدارد .

نوروز با ستانی و سنت پر بار تداعی خاطرات و تکوین آرمانها را گرامی داریم . به سالی بنگریم که گذشت و به سالیکه فرا ز آمد .

اگر در روز گاران کهن به روایت اساطیر میهنی ما، نوروز، روز فتح بود و درین روز بود که پهلوانان اساطیری نیاکان ما ، از جنگ دیوان فاتحانه باز آمد ، نوروز سال پار ، غرش تازه یی از دیوان عصر ما را بر ضد ما به همراه داشت و مادر سالگر آن نوروز پیمان تازه کردیم که تا نوروز دیگر ، تا این نوروز ، از نبرد بادیوان فاتحانه باز آییم و فاتحانه باز آمدیم .

دیوان دودان ، از ماوراء اقیانوس ها در دوام جنگ اهریمنانه شان با ما، در نوروز پار سخت تلاش ورزیدند تا گویا جهان را علیه ما ، وطن ما ، مردم ، عاید ملی انقلاب ما و دوستان ما برانگیزند ، آنان در جریان سال پار ، دخالت خویش در امور میهن ما را از سطح توطیه پشت پرده ((سیا)) به سطح سیاست علنی ورسمی ((اداره ریگن)) و ((سنا)) کشانیده و تشدید کردند ، امید مذبوحانه شان این بود که دولت انقلابی مردم افغانستان (جمهوری دموکراتیك افغانستان) را در جهان به انزوا و در داخل به ناکامی بکشانند ، ولی نتیجه بر عکس آمد .

درست در آستانه همین نوروز ، هیات جمهوری دموکراتیك افغانستان از کنفرانس روسای دولت ها و یا حکومات کشور های غیر منسلك یعنی کنفرانس نمایندگان بیش از سوم حصه جهان‌خلاف خواست امپریالیزم آنچنان پیروزمندانه باز آمد که یلان اساطیری نیاکان ما از جنگ دیوان فاتحانه‌باز آمده بود .

درست در آستانه همین نوروز سر کردگان بیش از بیست و یك هزار فرد مسلح که مدتی تحت تاثیر افسون تبلیغات و تحریکات دیوان امپریالیستی علیه نظام انقلابی خود عمل میکردند و در جریان سال پار، چشمان‌شان به حقیقت انقلاب باز شده بود در مهد انقلاب ثور - کابل - گردهم آمدند و اعلام داشتند که میله تفنگ های خود را بسوی دشمنان وطن و انقلاب بر میگردانند .

دیوان امپریالیستی طی سال پار ، آنچه در توان داشتند تعزیرات اقتصادی علیه کشور آزاده ما اعمال کردند و به وسیله نوکران زر خرید شان تخریبات و تبهکاری ها به راه انداختند تا از جبهه اقتصادی مردم و نظام مردمی وطن ما را ضربت زنند و خورد کنند ولی به جایی نرسیدند . شاخص های انکشاف‌اقتصادی - اجتماعی خیلی بیشتر از سال ۱۳۶۰ تحقق یافت . تولید محصول ناخالص داخلی ۸۰.۰۰ میلیون افغانی ، محصول ناخالص ملی استفاده شده ۱۲۰.۰۰ میلیون افغانی و عاید ملی استفاده شده ۱۰۰.۰۰ میلیون افغانی (که نقش مساعدت های بی شائبه اتحاد شوروی سوسیالیستی در آن مقام‌بزرگی دارد)) نسبت به سال قبل افزایش یافت ، ۸۳ر۳میلیون هکتار زمین (۵ر۰) فیصد بیشتر از سال پیش تحت کشت قرار گرفت ، ۲۲کوپراتیف جدید زراعتی گشایش یافت .

محصول ناخالص بخش صنایع ، معادن و انرژی ۱ر۹ فیصد ، تولید سمنت ۴۳ر۶ فیصد ، زغال سنگ‌۱۲ فیصد ، آهن‌کانکریت ۲ر۷ فیصد ، منسوجات نخی ۱۱ر۶ فیصد ، منسوجات پشمی ۴۹ر۳ فیصد ، آردگندم ۲ر۴ فیصد ، محصولات نانوایی ۱۲ر۹ فیصد ، گوشت ۹ر۲ فیصد و تولیدات‌صنعتی بخش خصوصی ٤ فیصد نسبت به تولیدات مشابه به‌سال ۱۳٦۰ افزایش یافت .

موسسه ترانسپورت موتری نمبر ۳کاماز به ظرفیت ۳۰۰عراده وموسسه ترانسپورت باربری هرات به ظرفیت صد عراده لاری به فعالیت آغاز نمود ، امور ساختمانی موسسه ترانسپورتی نمبر۲ کاماز تکمیل شد ، ۲٤ عراده بس برقی درشهر کابل جدیدا به کار افتاد ، پلان دوران‌حمل و نقل اموال ۱۰۰ فیصد وحمل و نقل مسافرین ۱۰۷ فیصد تحقق یافت ، عواید خدمات مخابراتی ۲ر٤ فیصدنسبت به سال ٦۰ افزایش کسب کرد ، ۵۸٤۰۰ نفر در ۳۱٦۲۵ کورس سواد آموزی (۱۹ فیصد بیشتر از سال ٦۰) شامل گردید و ۲۷۰۰۰ تن‌از کورس ها فارغ گردید ، ۲۹ مکتب ابتداییه به متوسطه ارتقا یافت ، ۱۲ باب مکتب ابتداییه و ۷ باب لیسه جدیدا افتتاح گردید .

در پوهنتون های کابل ، ننگرهار و پولی تخنیك ٤۱٤۵ نفر جدیدا جذب شد که ۲۲ر۵ فیصد نسبت به سال ۱۳٦۰ بیشتر بود، جذب در کودکستانها به تناسب سال ۱۳٦۰ باندازه ۳٦ر۷ فیصد بیشتر بود . به ارزش ۱۱ر۷ میلیون افغانی ادویه مجانی از طریق شفا خانه‌ها، پولی کلنیك ها و مراکز صحی به مردم توزیع شد . جمعا ۱۱۸۸ اپارتمان جدید در کشور ، پل موتررو بالای دریای آمو ، کمپلکس بندر حیرتان ، پل بالای دریای سفید ، آسیاب و نانپزی مزار شریف ، آسیاب پلخمری ، ذخیره های بزرگ نفتی دشت سقابه لوگر و دشت شادیان وغیره تکمیل گردید .

دوران تجارت خارجی کشور ۱۳۳۳ر۸ میلیون دالر شامل ٦۷۲ر۷ میلیون دالر صادرات و ٦٦۱ر۱ میلیون دالر واردات با تفاضل ۱۱ر٦ میلیون دالر دارای بیلانس مثبت بود .

مصارف انکشافی به اندازه ۱۰ر۸ میلیارد افغانی (از منابع داخلی در حدود مصارف حقیقی سال ٦۰ واز منابع خارجی ۱٤ر۲ فیصد بیشتر از سال ٦۰) تحقق یافت . دولت انقلابی به سبسایدی مبالغ هنگفتی به خاطر استقرار قیم بعضی از امتعه استهلاکی به نفع مردم ادامه داد ...

بدینگونه علی الر غم دشواریهای که بر نظام مردمی و در نتیجه بر مردم‌کشور از طرف امپریالیزم جهانخوار ، ایادی منطقوی وجیره خواران به اصطلاح افغانی شان تحمیل شد ، حزب ، دولت و مردم ما ، از جنگ دیوان فاتحانه باز آمد ند و بر مبنای پیروزی های تامین شده سال آینده ، سال ۱۳٦۲ ، سال تحکیم باز هم بیشتر صلح و آرامش در کشور ، رشد اقتصادی و فرهنگی و ارتقای حیثیت جمهوری دموکراتیك افغانستان درجهان‌پهناور بشری است . ولی نوروز امسال‌نیز برای ما جشن درزرمگاه ، جشن در میدان نبرد است، هنوز ((غزل نیست ، حماسه است .))

بدین لحاظ راه شهیدان و قهرمانان خویش را پی‌می گیریم و آرمان مقدس آنان را ، تا نوروز های آینده ، به شگوفه و به ثمر می نشانیم.

((حماسه))

عقد موافقتنامه

موافقتنامه همکاری ، کلتوری و علمی بین جمهوری دموکراتیك افغانستان و جمهوری دموکراتیك آلمان دیروز طی مراسمی عقدگردید.

موافقتنامه را رئیس کمیته دولتی کلتور و سفیر کبیر جمهوری دموکراتیك آلمان در کابل امضا و اسناد آنرا مبادله کردند .

به موجب این پروگرام که مدت دو سال اعتبار دارد هیات های کلتوری گروپ های هنری و همچنان دانشمندان استادان و شاگردان بین دو کشور تبادله میگردد .

مساعدت

بخاطر تحکیم هر چه بیشتر پایه های مادی‌ومعنوی جبهه ملی پدر وطن جمهوری دموکراتیك افغانستان به سلسله مساعدت های مادی هموطنان ما اخیراً کارمندان آمریت لوژستیك ریاست محبس مرکزی قوماندانی قطعه تشریفات وقوماندانی بیز مرکزی وزارت اموردا‌خله مبلغ شصت و دوهزار وچهار صد وپنج افغانی را به جبهه ملی پدروطن مساعدت نموده اند .

شورای مرکزی جبهه ملی پدروطن از این احساس پاك وطن پرستانه آنها سپاس گذاری نموده است .

قرارداد همکاری

قرار داد همکاری بین‌اتحادیه ژورنالستان جمهوری‌دموکراتیك افغانستان و دیپارتمنت ژورنالیزم‌پوهنځی علوم اجتماعی پوهنتون‌کابل دیروز عقد گردید .

به موجب این قرار داد استادان دیپارتمنت پوهنځی‌متذکره شیوه کار و طرز تبلیغات شانرا از طریق‌وسایل ارتباط جمعی بیش‌از پیش توسعه داده در جهت تربیه و پرورش شاگردان‌ژورنالیزم نتایج کار شانرا به اتحادیه ژورنالستان خواهند سپرد .

همچنان به اساس قرارداد در نظر است به‌همکاری‌دو ارگان یك پوهنځی ژورنالیزم شبانه در آینده ایجادگردد .

اخبار خارجی ، واقعیت ها ، حوادث

علیه تبعیض نژادی

در ماده اول اعلامیه حقوق بشر آمده است همه افراد بشر از نظر حقوق و حیثیت با هم برابر زاده شده اند . آنها بر خوردار از عقل ووجدان بوده و باید نسبت یکدیگر با روحیه برادری رفتار کنند.

اما این اصل عمده و پرارزش در طول تاریخ حیات بشری بارها نقض گردیده و جباران و زورمندان ومالکان سیم و زر از انسان ها را از حقوق اساسی شان چون آزادی و مساوات محروم گردانیده شده اند . سیاست های تبعیضی که امروز در دنیا توسط اقشار و طبقات حاکم در سطح ملی و توسط حکومات و دولت های استعماری درسطح بین المللی بکار برده شده گوناگون بوده وهمه درخور تقبیح اند .

این سیاست جابرانه بارها در جلسات اسامبله عمومی ملل متحد ، سیمینار ها وکنفرانس ها ییکه علیه تبعیض نژادی و اپارتاید دایر گردیده و در بسا گردهم آیی های ملی منطقوی و بین المللی مورد نکوهش قرار گرفت .

مردم افریقای جنوبی که دیگر توان تحمل این سیاست وحشیانه را نداشتند در ۲۱ مارچ سال ۱۹٦۰ در شارپ ویل دورهم جمع شدند تابه مظاهره بپردازند اما پولیس رژیم فاشیستی پریتوریا با سنگدلی تمام مردمانی را که بشکل خیلی آرام و صلح آمیز طالب اساسی ترین حقوق شان بودند به رگبار مسلسل بسته و در عوض شناختن حق مسلم شان گلوله های داغ نثار شان نمود که خاطره دردناك واسف انگیز یقینا هرگز اذهان بشری رابه فراموشی نخواهد سپرد وسبب گردید تا روز ۲۱ مارچ بحیث روز بین المللی رفع تبعیض نژادی را درسراسر جهان تجلیل نمایند.

کشف شبکهٔ جاسوسی پاکستان

مقامات امنیتی هند یك شبکه جاسوسی پاکستان را که از سال های متمادی بدینسو بەسرویس استخباراتی پاکستان اطلاعات سری در مورد تسهیلات نظامی هند تهیه مینمود کشف نموده اند گفته شده که اجنت های همه اطلاعات جاسوسی خود را از یك عمله قطار آهن مسافر بری بین امرتسر و لاهور بدستمی آوردند

این عمله قطار آهن که مدن موهن نام دارد اطلاعات جاسوسی را به مامورین گمرك پاکستان که خط آهن را چك میکردند تسلیم میداد .

روز نامه تریبیون چاپ دهلی نو گزارش میدهد که ایجنت های که دستگیر شده اعتراف کرده اند بر ضد هند جاسوسی میکردند .

(ب)

افزایش بودجه نظامی جاپان

جاپان ازدیاد بیش ازحدی را در تدارکات بودجه نظامی خود بعمل آورده است .

این حقیقت بیانگر بیانیه رئیس اداره دفاع ملی جاپان می باشد .

وی ضمن بیانیه اخیر در پارلمان جاپان تاکید نمود که تخصیصا تیکه هم اکنون برای اداره دفاع ملی جاپان داده شده برای تطبیق پروگرام نظامی مجوزه کافی نیست .

وی اعلام نمود که تخصیصیه های بیشتری باید برای تدارکات نظامی جدید داده شود .

در مصارف نظامی جاپان سال به سال ازدیاد بیشتر بعمل می آید ودر سال مالی جدید یکه در اول ماه اپریل آغاز می گردد در مصارف نظامی جاپان شش اعشاریه پنج در صد افزایش بعمل خواهد آمد .

(ب)

گرد همایی به خاطر امحای فاجعه اتومی

یك گرد همایی تدارکاتی پریروز در ژنیو در بزرگداشت صلح و سال بین المللی ضد جنگ ذروی که در ماه جون در پراگ دایر می شود در ژنیو صورت گرفت .

در این جلسه نمایندگان بیست سازمان بین المللی و ملی اشتراك ورزیده اند .

هدف اصلی این گردهمایی بسیج هر چه بیشتر نیروهای صلح دوست به خاطر انجام هدف اصلی که آن عبارت از امحای فاجعه اتمی می باشد است .

همچنان جلسات آمادگی در بوداپست پراگ نیویارك بروسل آتن کوپنهاگن وسایر شهر ها نیز دایر می گردد .

(ب)

دسایس غاصبانه

مقامات اشغالگر اسرائیل دو هزار هکتار زمین دیگر عرب ها را در ساحل رود اردن ضبط نموده است .

قرار گزارش آژانس خبر رسانی زمین مربوط چهار قریه فلسطینی ها واقع در حومه های شهر نابلوس می باشد .

(ب)



در جمهوری دموکراتیک آلمان شاگردان برای سه سال مصروف آموزش فعالیت های ساده هنریوعملی بودموبعدها در تربیه اطفال بخصوص در بخش های نقاشی ،مجسمه سازی کار های دستی نقش بخصوصی بازی می کنند.این اطفال در آینده می توانند با ارتقای تجارب و مهارت های مسلکی در جمهوری دموکراتیک آلمان نقش ارزنده بازی می کنند .

پیروزی دیگر

هفتمین کنفرانس سران دول یا حکومات کشور های غیر منسلک یکبار دیگر با نیروو وحدت در خور ستایش بر توطئه های نفاق افگنانهٔ امپریالیزم فائق آمده براصول زرین عدم انسلاك ، بر اصول انسانی صلح ،آزادی وسعادت صحه گذاشت .

«ویگان بهاون» یا کاخ دانش عمارتی در قلب دهلی زیبا همه چیزرا درخود آماده داشت و بی صبرانه در انتظار لحظه یی که با آغاز هفتمین کنفرانسجنبش عدم انسلاك نامش در جدول ساختمانهای تاریخی جهان قرار گیرد .

همه چیز دلالت به عظمت حادثه داشت ، از گردآمدن یكهزار و هفتصدژورنالیست از سراسر جهان تا تدابیر خوب و شدید امنیتی .

در «مرکز اطلاعاتی» در جوار تالار کنفرانس جنب و جوش بیشتری به چشم میخورد ، ژورنالستان، اعم از خبر نگاران ،عکاسان و فلم بر داران درتکاپوی بدست آوردن مواد و مطالب بیشتر فضای پر هیجان و تب آلودی ایجاد کرده بودند : یکی از تلاش مطالب جنجالی ودیگری در جستجوی خبر هایی از پیروز یهاو دستاورد ها .

تلاشها برای مکدر ساختن فضای کنفرانس وایجاد شگاف در درون جنبش نامحسوس نبود . تحمیل بحثی خسته کن و طولانی بر جلسهٔ و زاری خارجه در مورد کرسی نمایندگی کمپوچیا و کوشش برای جازدن شهزاده سیهانوك و دارودستهٔ پول پوت ، قاتل سه میلیون کمپوچیایی ، به عنوان نمایندهٔ «واقعی» مردم کمپوچیا ، نمو داری ازتلاش برای ضیاع وقت کنفرانس، انحراف آن از مسایل مبرم وایجاد نفاق در آن بود .

ولی هیچیك ازتلاشها نتوانست بر ابا شد، تا آنجا ئیکه هیئات سنگاپور به خاطر پخش در سنامه یی علیه کمپوچیا چنان مورد خشم و نفرت قرار گرفت که مجبور به بازستاندن نشریه شد .

سر انجام لحظه یی کههمه را با بی صبری در انتظار داشت فرارسید و ساعت ده و هفت دقیقهٔ قبل از ظهر صدای مردی نیرومند و پر آوازه ، رهبر کیوبای قهرمان و رئیس ششمین کنفرانس جنبش عدمانسلاك، رفیق فیدل کاسترو ، در میان کف زدنهای حاضران در فضای تالار طنین اندا خت که خانم اندیراگاندی صدراعظم هندو رئیس آینده جنبش را به گشایش کنفرانس دعوت میکرد .

با آغاز این مراسم جنب وجوش در مرکز اطلاعاتی نیز بالا گرفت ده ها عکاس و فلمبردار در داخل کنفرانس برای ثبت جریانات در سینهٔ فلمها و کست های تلویزیون ی نی‌از هم سبقت میجستند.

در جریان جلسات بعدی ساحهٔ فعالیت ژورنالستان محدود تر بود و جز درحالات معین و محدود دسترسی مستقیم به جریان داخل تالار کنفرانس کمتر میسر میشد . با وجودگیرنده های تلویزیونی در داخل مرکز اطلاعاتی برای پخش جریان کار کنفرانس و حضور یا بی نطاق کنفرانس برای توضیح جریانات و پاسخ به پرسش ها ، اکثرا ژورنالستان دست به دامن منابع دپلوماتیك و مطلع شده اطلاعاتی را که ازطریق عادی امکان حصول نداشت بدست می آوردند .

فیدل کاسترو اندیرا گاندی دونامی بود که در جریان کنفرانس بیشتر بگوش میخورد .مردی که در سه سال گذشته جنبش را با درایت رهبری کرده بود و زنی که با شایستگی و ظیفهٔ دشوار رهبری را در سه سال آینده به عهده گرفت . این واقعیتی بود که در تایید آن هیچ استثنایی در بین شرکت کنندگان کنفرانس وجود نداشت .

سران دول و حکومات کشور های عضو جنبشعدم انسلاك در ین مورد نیز وحدت نظر داشتند که جهان ما را با لخاصه مردم کشور های رو به رشد را بحران عمیق و همه گیر اقتصادی و صلح جهانی ماجرا جویی ها و تجاوزات امپریالیزم درمعرض تهدید واقعی قرار داده است .

پر محتواترینو همه جانبه ترین بیانیه درزمینهٔ تشریح و ضع کنونی جهان همانا گزارشی بودکه رفیق فیدل کاسترو به عنوان رئیس ششمین کنفرانس جنبش عدمانسلاك ارایه کرد و از جانب کلیه شرکت کنندگان گردهمایی دهلی به مثابهٔ سند رسمی کنفرانس مورد تایید و تصویب قرار گرفت .

شرکت کنندگانکنفرانس با وجود همه اختلافات عقیدوی و تعلق به نظامهای اجتماعی متفاوت درین امر اتفاق نظر داشتند که‌نظم کنونی اقتصادی جهانی و مناسبات‌اقتصادی باجهان سرمایه داری را بائیست به عنوان عامل عمدهٔ عدم انکشاف در هم شکست و نظم جدید اقتصاد جهانی را ایجاد کرد .

در مورد مسائلی چون حق مردم فلسطین برای تعیین سر نوشت خویش، مسالهٔ لبنان و شرقمیانه ، استقلال نامیبیا ، جانبداری از مبارزهٔ مردم افریقای جنوبی علیه اپارتاید وتبعیض نژادی ، اعلام بحر هند به عنوان منطقه صلح و مسائلی از این چنین صدای مخالفی به گوش‌نمیرسید .

با هر روز نزدیکتر شدن کنفرانس به پایان کار خویش اطمینان به پیروزیهای ستر گ قوت می یافت نیرو های‌شیطانی نتوانستند به امیال‌خویش در جهت ایجاد نفاق در جنبش و انحراف آن از واقعیت ها و مسایل مبرم توفیقی یابند.تماس با هیئات های کشور های مختلف خبر های داغمرکز اطلاعات را تشکیل میداد هند با این تلاشها توانست نخستین گام را در جهت رهبری جنبش با شایستگی در خور ستایش بر دارد .

پیوستن چهار عضو جدید به جنبش و افزایش تعداد اعضا از ۹۷ به ۱۰۱ دستاورد دیگر کنفرانس بود که آغاز دشوار کارو گامهای اولین جنبش رابه یاد می آورد . سپتامبر ۱۹٦۱ را که نخستین کنفرانس سران دول یا حکومات کشور های غیر منسلك به اشتراكصرف ۲۵ کشور آسیایی وافریقایی وسه ناظر از کشور های امریکای لاتین تدویر شد .

«ذوالفقار»

کمیدی ۲۱ ...

سال پارین گفتند : عواطف دست نا خورده وبه مصرف نا رسیدهٔ هزاران سالهٔ همه‌جلادان‌بشریت چون‌ذخایرانرژی پتانسیل عظیم دربارگه‌های‌شهنشاهان سرمایه و " ناتو " یکباره به فوران درآمد ،مبدل‌به افسانوی‌ترین عشق های سوزان‌به‌ساکنان‌دره‌های افغانستان‌گردید .پس‌۲۱ مارچ را برگزیدندتااین‌بی‌همتا ترین‌معجزه رابزمی شائیسته‌وبائیسته درگسترهٔ عالم به‌پادارند .تا فرارسیدن‌این‌روز ،بویژه‌چشم‌به‌راهان عشق های ناگنجیدنی درخیال، چه‌خواب هایی که‌نمی‌دیدندومرا ،اینگونه‌رویایی دست داده بود ! :

۲۱ مارچ ،
آفتاب ازغرب طلوع خواهد کرد .
ودنیا ،
۲۱ برابرتندترازتبدل برقی صحنه‌ها ،
درفلم های‌کاوبایی
– که‌آقای ریگن هنرپیشهٔ آنهاست –
دیگرگونه خواهدشد .

و۲۱ معجزهٔ تاریخ ،
آسمان وزمین را ،
اختران وساکنان عالم برین را ،
دراعجاب ۲۱هزارساله‌فروخواهدبرد .

زیرا ،
که‌آسمان خراش‌ها ،
درلندن و واشنگتن ،
و۲۱ پایتخت طلایی دیگر :
به‌یادکلبه‌ها وغژدی ها ومغاره‌های مفلوک ما خواهندنشست .

وشهزادگان افسانوی مغربزمین ،
با ۲۱ کاروان ابریشم ،
با ۲۱ آسمانخراش مدرن ،
با ۲۱ مجتمع پهناور صنعتی ،
با ۲۱ بانک عظیم طلا ،
با ۲۱ فابریک سترگ برق ،
با ۲۱ شهرچراغان وگلجوش ،
با ۲۱ قطارریل شراب ،
با ۲۱ هواپیما عطروزیور ،
با ۲۱ آرکستررقص وموزیک ،
با ۲۱ فرستنده رادیو – تلویزیون ،
با ۲۱ کتابخانهٔ آثارغنایی ،
با ۲۱ شفاخانهٔ تمدید عمر ،
با ۲۱ یونیورستی دروس‌کمپیوتری ،
با ۲۱ عطیهٔ دیگر ،
– برای هر ولایت ما –
شعله‌وردرآتش عشق دختران مسلول این میهن ،
به راه خواهند فتاد .

وپری دختران آبی چشم وموکمرمغربی ،
با ۲۱ نازوکرشمه ،
با ۲۱ رقص و ترانه ،
با ۲۱ عطروپودر ،
با ۲۱ طرح مووابرو ،
با ۲۱ مودلباس وکفش ودستکول ،
با ۲۱ تن جواهروالماس ،
با ۲۱ هزارتن ویسکی وطعام های بهشتی ،
با ۲۱ برابرعشق لیلی وشیرین به جوانان زعفرانیو استخوانی افغاندیار ،
با ۲۱ فیصد ثروت های گردآمده ،
– ازکمپنی‌هندشرقی‌تا عظیمترین‌کارخانجات اسلحه سازی کنونی –
وبا ۲۱ هزاردایهٔ ازمادرمهربانتر ،
ازقماش خانم تاچر ،
در ۲۱ هزارپروازمافوق سرعت صوت ،
به بیابان های مانخواهندنشست .
وساکنان کرهٔ زمین ،
وکرات سماوی دیگر ،
در ۲۱ رنگ وته رنگ تلویزیون ،
شکوه هرگزندیدهٔ بزم های وصال زادگان فقرو ثروت را خواهنددید .

وبدینگونه :
افسانه‌های رومئووژولیت ،
لیلی ومجنون ،
و۲۱ هزارافسانهٔ پرشکوهتردیگررنگ خواهدباخت .
وجنگ های صلیبی چندین قرنه ،
به پایان شادوشگوفا خواهدرسید .
وبدینگونه نیز :
ازبشر تا ابلیس ،
– مات ومبهوت ،
– سنگ ومنگ –
خواهنددانست که :
سوزغربیان به میهن ما
دروغ بزرگ ، نی
که عشق بزرگ بود ! ....

" عالم افتخار"

مقدم بهار

زمانامه را می گشاییم و برگهایی آنرا ورق میزنیم. به صفحه یی سبزخیره میشویم، صفحه یی که از میلاد فصل نو و طلایه فصل سبز پیام دارد.

آری. نوروز را، این مسافر تندگام و خسته از فراسوی جلگه ها و وادی های خاموش و سرما زده زمستان را که سوار با هودج سبز بهاری در سفر است نوروز را نیایش کنیم از آنکه در زاهدان خاك بذر زندگی نو وفراوانی را رویش میدهد. و از نگاه این بهار طیلسان سرخ شقایق و پرندگان سپیدان میدهند.

ما از ورای این صفحه نوروز باستانی را که از عید های خجسته ودیرینده ماست به‌هم میهنان‌عزیز آن پا کمردانی که با پویه زمان در حرکتند ودر فش جاودانه اندیشه های ارجناك را در سرزمین عزیزمان بر افراشته نگهداشته اند، مبارکباد میگوییم.

به امید اینکه نوروز خورشید خجسته گی، صلح و بهروزی در آفاق زندگی و کار هموطنان عزیز ما رخشان تر گردد، دو غزل ناب و زیبایی از دو شاعر بزرگ واندیشمند ما جلال الدین محمد بلخی و خوشحال خان را که از آنسوی سده‌ها به‌نیایش بهار به نجوا بر خاسته اند نشانه میگیریم و چون لاله های قرمز محبت و دوستی به منزله هدیه ناچیز نوروز به خوانندگان پیشکش میکنیم:

بوی بهار میرسد

آب زنید راه را هین که نگار میرسد
مژده دهید باغ رابوی بهارمیرسد

راه دهید یار را آن مه ده‌چهار را
کز رخ‌نوربخش او نور نثارمیرسد

چاك شده است آسمان،غلغله یی است درجهان
عنبر ومشك‌میدهد سنجق یار میرسد

رونق باغ میرسد چشم‌و چراغ می رسد
غم به کناره‌میرود مه به کنار میرسد

باغ سلام میکند سروقیام‌می کند
سبزه پیاده میرود غنچه سوارمیرسد

خلوتیان آسمان، تا چه‌شراب خورده اند
روح خراب ومست شده عقل‌خمارمیرسد

چون برسی به کوی ماخاموشی است‌خوی ما
زانکه زگفتگویی ما گرد و غبار میرسد

د بهار گلونه

معطر د هغه گل په بوی‌مشام دی
چی جهان‌یی د بلبل د زړه آرام دی

د گلو نو حسن ښه بلا داشوه
چی دو صل‌په آغاز بوری انجام دی

گله ته چی له بلبله مخ جار باسی
مگر سنا په‌خپل ښایست امیلمدام دی

د بهار دسرو گلو نوصفت خو کړم
ولی بی یاره‌یی هر گل د زهرو جام دی

نور چی تل د کی پیا لی‌شوی ښه دی
په‌یوه پیا له خوشحال خټك بد نام دی

پژواك بهار درلنډی ها

بهار فصل گل است، زیرا با سر انگشتان مسیحا یی خود گلهای‌خفته را در خاك‌و‌کویر بغض گرفته‌زمین زنده‌میسازد و با شراره های روان بخش روایح گلها و زبان پرندگان سپید و پرستو های قاصد اسطوره انسان، کار واهداف عالی او را سرمیدهد. تجلی همین گلهای بهاری در رودبار های لنډی های ما پژواك خاص دارد. این چند لنډی را برای شما خوانندگان عزیز انتخاب نموده ایم:

خدایه پسرلی‌شوگلان‌گل‌شوه
زما د زړه گلان سهیل وهلی دینه.

* * *

زړه می هلك‌دی راته ژاړی
چی رانه غواړی د پر دی باغچو گلونه

* * *

یارمی په‌گلو کی ویده دی
د سپینی خولی شبنم به زه پری اوورومه

* * *

خدایه ما گل د بیابان کړی
چی د خپل یار د لوری باد می ښوروینه

* * *

دکابرگل په شان کره شوی
چی راسمیږی نیمه‌ورخ‌به تیره وینه

* * *



مدل جدیدلباس بهاری برای دوشیزگان   عکاسی : وینلن

نکته ها...

با مدادی پگاه مهی بر صخره ای فرو پیچیده و به صخره گفت:«بسیار صلابت و شکوه می فروشی، اینك ترا چنان درخویش فرو‌پیچیده ام که کسی اثری از تو باز نخواهد یافت».

صخره شکیب کرد و خاموش ماند. چون خورشید دمید ازان مه حتی نمی بر جای نماند.

گنبدی پرنگار نزد تماشاگر خود شکوه سر کرد و گفت: «این خورشید هرزه گرد بر فراز سر من چنان گستاخ میدرخشد که نمی گذارد ستایندگان بیشمار نقشهای دلاویزم را به فراغ خاطر بنگرند».

تماشاگر گفت: اگر او نمی تافت، تو جز سایه ای سرد و غمگین نبودی؟!

دودی بالا افراخت تا ستیغ کوهی و لافید که: «گر چه از تو تیره تر و انبوه ترم چنان سبکبارم که در هوا ایستاده ام».

کوه گفت: نسیمی که از تو سبکبار تر است پاسخت راخواهد داد. «دنیا»

چراغان

نو بهاران می رسد:
کاروان لحظه‌ها، درموج‌گل،
در موج میخك های‌سرخ،
درموج عشق و زندگی،
بالندگی،
شگوفه باران می شود.
نو بهاران می رسد:
چشمه سار اسمانی.
اشك شادی می چکد.

بوسه های آفتابی
دشت ها را،
بام و در را،
بوم و بر را،
سبزه زاران می کند.
نو بهاران می رسد
لحظه های زندگی را
خوش چراغان می کند.

از: فضل‌حق «فکرت»
کابل ۱۰-۱۲-۶۱

تذکر

بنابر انتشار شماره فوق‌العاده نوروزی، شماره ۲ حمل ۱۳۶۲ حقیقت انقلاب ثور انتشار نمی یابد خوانندگان گرامی لطفاً معذرت ما را بپذیرند.

«اداره»

نوروز باستانی

نوروز بزرگ آمد، آرایش‌عالم
میراث به نزدیك‌ملوك عجم‌از حجم

زمان در گردش است. و برای گردش خود آغازگاهی دارد. این آغاز گاهش را نوروز مینامیم. توالی زمان با مقدم نوروز نو میشود. پدیده های طبیعت و هستی انسان و جنبندگان زندگی جدید و با نشاطی را می آغازد

نوروز یکی از جشن های باستانی و دیرینده مردم ماست. که در روزگار ما به عنعنه همگانی بدل شده است جشن نوروز یا بگفته عوام ((میله نوروز)) با مراسم و سنت های خاص در سرتاسر، سرزمین عزیز ما برگزار میشود.

شواهد تاریخی ریشه های فرا رویی نوروز را به سنن و عنعنات فرهنگی اریانای باستان نسبت میدهد. آریایی ها باداشتن پنداشت های ویژه یی ذهنی خود جشن های زیاد داشتند و به خاطر تقدیس از غازین روز فصل کار محافل سرور و پاکوبی ترتیب میدادند. بسیاری مورخین بنیاد گذار نوروز را جمشید نخستین تاجپوش دودمان پیشداد یان بلخ میدانند. عمرخیام رباعی سر او ستاره شناس نامدار زبان دری در نوروز نامه اش چنین نگاشته است. ((یکی آنکه هر سه صد و شصت و پنج روز وربعی از شبانه‌روز به‌اول دقیقه حمل باز آید. بهمان وقتو روزکه رفته بود بدین دقیقه نتواند آمدن چه‌هر سال از مدت همی کم شود و چون جمشید آن روزرادر یافت نوروز نام نهاد و جشن آیین آورد و پس از آن پادشاهان و دیگر مردمان بدو اقتدا کردند)).

در میهن عزیز ما حلول نوروز راموافق سنت‌های‌معیین جشن میگیرند. صوربرگزاری آن از لحاظ شکل از یك شهر به شهر دیگر واز یك روستا تا روستایی دیکر متفاوت است. ولی از لحاظ محتوا و مضمون هماوردی بیشتری داشته که میتوان آنرا نشانه وحدت فکر و عمل مردم آزادی پرست کشور کثیر المله مادانست.

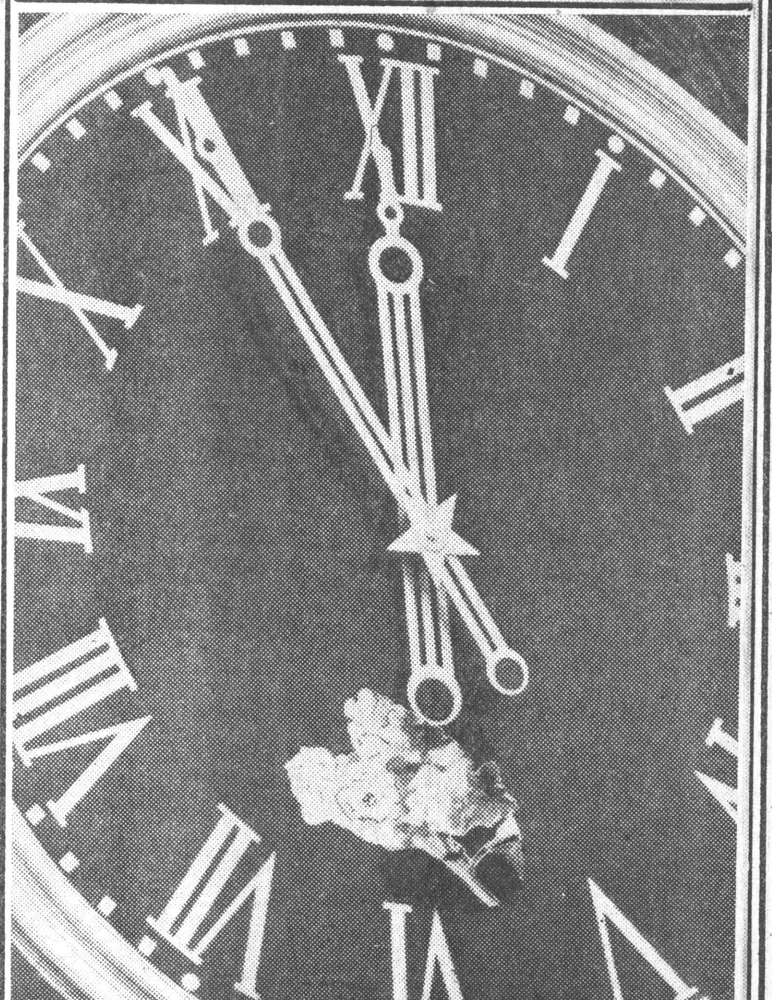
دربرخی مناطق کشور ما رسمی وجود دارد که به نام قلبه کشی یاد میشود. این رسم در اغلب روستا های ما رواج دارد، روستاییان و بزرگران با تناول غذا ها ومحافل سرور ((آتن)) و موسیقی نوروز را گرامی میدارند.

دربرخی روستا های‌کشور ما مراسمی بنام گاو جنگی و بزکشی نیز معمول است.

در اکثر شهرها و دهات میهن ما به خاطر تجلیل از نوروز ((خوان هفت سینی)) را ترتیب میدهند. ریشه های این رسم به عدد هفت یا عدد مقدس از فرشتگان مزدیسنای آیین زرتشتیان می رسد. در خانواده های‌شهری ما برای گشایش نوروز رسم سمنك با آیین های زیباشب نشینی ها و بزم های شادی اور آن رواج دارد.

بازی امروز که در تجلیل جشن باستانی نوروز یا به قول استاد ابوریحان ((پیشانی سال)) قرار داریم. سال نو، را بشارت دهنده دوستی، اخوت، آشتی و صلح پایدار و دیرمان در میهن عزیز ما میخواهیم.

((کیکاووس))



خطیب!!

صبح یکی از روزها مدیر دفتر کریل ایوانوویچ واویلوف را که در اثر مشروب خوری زیاد بدرود حیات گفته بود، بخاك می سپردند. در جریان تشییع که از کلیسا تاگورستان امتداد داشت یکی از همکاران اداری آن مرحوم بنام پوپلاو سکی سوار گادی شد و نزد دوست خود گریگوری پتروویچ زاپویکین مرد جوانی که شهرتش زیادی داشت‌رهسپار گردید. زاپویکین در بیانیه دادن‌در جشن های‌عروسی، محافل سالگرد و مجالس تشییع و تدقیق قریحه واستعداد خاصی دارد. در هر حالت و هر موقعی که باشد میتواند بیانیه بدهد بیاناتش مانند آب باران روان و صاف است.همیشه فصیح و طولانی صحبت میکند و بعضی اوقات در جشن های عروسی‌برای قطع خطابه طولانی او پولیس مداخله مینماید.

پوپلاوسکی خطیب را در منزل یافت و گفت:

–دوست عزیزم! مه پیش تو امدیم، همین حالا لباسهایته بپوش و با من برو. یکی از دوست هایم مرده. بالای قبرش باید چیزی بگویی... تمام امید ما به تواس... اگرکس دیگر می مرد مزاحم تونمی شدم، ولی مدیر دفتر مامرده، اخر او آمر ما بود ای‌قسم آدم هار بدون خطابه نمیشه به خاك سپرد. زاپویکین سرفه‌ای‌نمود وگفت

–شناختمش، همان مدیر دایم الخمر ره‌میگی؟

– بلی خودش اس. بیا جانم برویم. بالای‌قبرس بیانیه مانند سیسرو نبتی که‌نام با نه.

زاپویکین قبول کرد،موهای خود را جرساخت و قیافه مصیبت زده ای بخود گرفت و سوار گادی شدند.

–ای مدیرتانه مه می شناختم خدا مغفرتش کنه مرد بسیار چالاك بود و جوره نداشت.

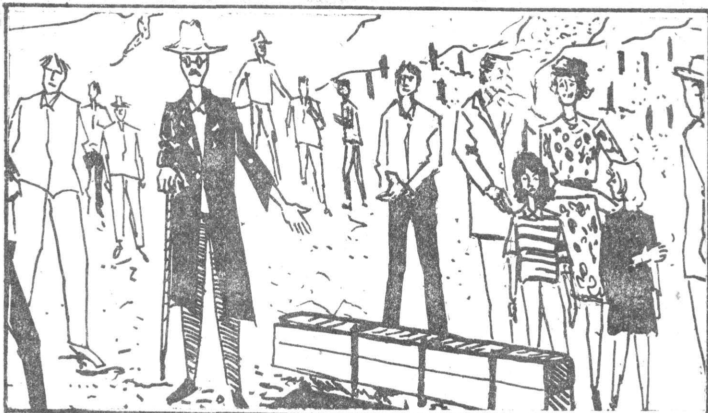
– گریشا پشت مرده گپ زدن خوب نیس.

هر دو خود را به مشایعین رسانیدند و با آنها یکجا شدند.

در قبرستان همه به روح مرده دعا کردند و خشو و زن متوفا گریه وزاری نمودند.

زاپویکین منتظر ماند تا سکوت وآرامش برقرار گردد و آنگاه یك قدم پیش تر گذاشت، لحظه ای به حاظرین نظر انداخت و صحبتش را چنین آغاز کرد.

–آیا چشم و گوش ما باور میکند؟ آیااین تابوت واین‌چهره های اشك آلود بمانند خواب وحشتناك نیست؟ نه، نه خواب‌نیست کسی را که همین دیروز شاداب و خرم دیده‌بودیم، کسی که به مثل زنبورعسل فعال ،شهدش را به کندوی عمومی آبادانی کشور می ریخت، کسی‌که... اکنون در میان ما نیست مرگ، بی رحمانه زندگی را از او سلب نمود. او با وجود سن زیاد هنوز هم دارای انرژی و نیروی بزرگی بود. مرگ اوضایعهٔ عظیمی بشمار میرود.هیچکس نمیتواند جای او را پر نماید. ما مورین خوب‌دولت بسیارند، ولی پروکوفی اوسیپو ویچ خوب تر از همه بود. شبها نمی ارمیدو



وهرگز تطمیع نشد... کسانیکه میخواستند او را براه خیانت سوق دهند منفورش بودند و احترامی برای‌آنها قایل نبود. بلی! پروکوفی اوسیپو ویچ در مقابل چشم همهٔ ما معاش ناچیز خودرا به دوستان نادار خود تقسیم مینمود و اکنون خود تان گریه و زاری بیوه زنان ویتیمانی را که از پول او زندگی مینمودند می شنوید. بر همهٔ شما معلوم است که او تا اخیر حیات مجرد میزیست. همین‌اکنون چهره اصلاح شده و تبسم ملیح او در برابر چشم من‌مجسم میگردد.

زاپویکین به نطق خود ادامه میداد ولی در بین حاضرین زمزمه ایجاد گردید. خطا به موردپسند همه‌قرار گرفت و ازچشمان بعضی حتی قطره های اشك فرو افتاد ولی در ین خطابه‌خیلی حرفها نادرست بود

اولا هیچکس نفهمید که چرا ناطق شخص متوفی را بنام پروکوفی اوسیپو ویچ نامید، در حالیکه آن شخص مورد نظر اسمش کریل ایوانوویچ بود. دوم اینکه به همه معلوم بود که آن مرحوم زنه‌شروع و قانونی داشت تا اخیر عمر با او زندگی مینمود. بناء کلمه مجرددراین‌صحبت درست‌نبود سوم اینکه شخص‌متوفاریش نصواری‌داشت‌وهیچگاه ریش خود را نمی تراشید.

ناطق در حالیکه با شور و هیجان به قبر نگاه میکردبه صحبت خود چنین ادامه‌داد:

–پروکوفی او سیپوویچ! چهره تو زیبانبود ولی‌توقلب مهربان و محبوبی داشتی!

ناطق دفعتاً ساکت شد و با حیرت دهانش را باز نمود و روبه پوپلاو سکی کرد و با وحشت و ترس گفت:

– ببین، او زنده اس

– کی زنده اس؟

– پروکوفی اوسیپوویچ!

ببین او نجه ایستاد اس.

–اوخو نمرده! کریل ایوانوویچ مرده!

–ایا تو نگفتی که مدیر دفترتان مرده؟

–تو درست میگویی، سابق پروکوفی او سیپوویچ مدیر دفتر ما بود ولی ۲ سال میشود که به جای‌دیگری تبدیل شده‌است.

–مه خو عقلم قد نداد.

–چرا صحبت را قطع نمودی؟ ادامه بتی.

زاپوتکین رو به قبر کرد و با همان وضاحت قبلی به بیانیه خود ادامه داد. در کنار مقبره پروکوفی او سیپو ویچ مدیر با ریش‌تراشیده ایستاده بود و با نگاه غضب الود بطرف ناطق نگاه میکرد.

مامورین دفتر موقعیکه با زاپویکین از قبرستان بر می گشتند می گفتند:

– تو چرا ادم زنده ره گور کدی؟

پروکوفی او سیپوویچ با پیشانی ترشی میگفت:

–اقای جوان! حرکت شما خیلی منفی بود. نطق شما شاید برای شخص‌متوفی مناسب باشد ولی‌در مورد آدم زنده مسخره ای بیش نیست. خود تان قضاوت کنین که چه میگفتین؟

اقای محترم! هیچکس‌از شما نخواسته بود تا درمورد قیافهٔ من چیزی بگویین، خیلی متاسفم.

از: انتون چیخوف
«ترجمهٔ نیلیك»

زیر نظر هیات تحریر
مدیر مسؤل: محمود بریالی